

خطبه اول

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد و الثناء لله الذي فطر السماوات و الارض ثم الصلوة و السلام على اشرف الانبياء والمرسلين و خاتم السفراء المكرمين، حبيب اله العالمين ابالقاسم المصطفى محمد و على اهل بيته الطيبين و الطاهرين الهداه المعصومين لاسيما بقيه الله المنتظر. اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ، و لِيًّا و حَافِظًا و قَائِدًا و نَاصِرًا و دَلِيلًا و عَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا" عبادالله اوصيكم و نفسى الخاطئه بتقوى الله. قال الله العظيم فى كتابه، « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ و لا تموتن و انتم مسلمون»

خودم را و شما برادران و خواهران را دعوت به تقوى مى نمايم. دعوت خداترسى. دعوت ترس از گناه و ترك معصيت و دعوت به انجام فرائض و واجبات الهى. در حديث شريفى هست كه فرمودند براى انسان متقى و پرهيزكار سه نشانه و علامت است. اخلاص در عمل اگر مى خواهيم بينم من متقى هستم يا نه يكى آن است كه در معلم اخلاص باشد و كارهايم براى خدا باشد. براى اينكه ديگران ببينند من اين كار را انجام دادم نباشد. براى خدا باشد. او بهترين نگاه كنندگان است. يا ابصر الناظرين و يا احكم الحاكمين باشد. دوم نشانه اين است كه آرزوهايش كم و کوتاه است و خيلى آرزوهاى بلند و طولانى ندارد. در عين حال كه در اين دنيا زندگى مى كند و كارهاى روزمره دنيائى خودش را انجام مى دهد. وليكن خيلى هم دل به اين دنيا نمى بندد. سوم اينكه فرصت ها را غنيمت مى شمارد و به آسانى از دست نمى دهد. خداوند به همه ما توفيق عمل عنایت بفرمايد.

مهمترين چيزى كه دست و پاگير است و انسان را به هلاكت مى كشاند نفس اماره است كه به طور اختصار من عرض كنم اين مطلبى كه بيشترين افراد دامن گير آن هستند. هواپرستى، نفس پرستى، نفس اماره. امام زين العابدين سلام الله عليه در يكى از مناجات خمس عشر، ۱۵ مناجات امام زين العابدين دارند كه در مفاتيح الجنان است عزيزان مراجعه كنند و هر كدام را مى بينند با حال او بيشتر سازگارى دارد بخواند. يكى از مناجات هاى كه بزرگان سفارش كردند اهل معنا سفارش كردند ما بيشتر با آن سر و كار داشته باشيم مناجات الشاكين است كه دومين مناجات خمس عشر امام زين العابدين است. شما ببينيد آقا زين العابدين در اين مناجات الشاكين شكوه مى برد پيش خدا از نفس اماره، عرضه مى دارد: چهارده اوصاف از اين نفس اماره اى كه آدم را به هلاكت و نابودى مى كشاند و اگر اين نفس اماره حاكم شود نتيجه آن بيچارگى، طغيان و كفر است. شكايت مى برد پيش خدا « إلهي إلیك أشكو نفسا بالسوء أمارة» يك به كارهاى بد امر مى كند. « وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةٌ» به كارهاى گناه و خطا و معصيت خيلى سريع انجام مى دهد. سريع كار گناه را انجام مى دهد ولى كار درست كه باشه مى ماند كه انجام دهد يا نه. پاى كار گناه كه وسط بيايد سريع، بعد مى فرمايند كه « وَ بِمَعَاصِيكَ مُؤَلَعَةٌ» سوم چيزى كه

نفس اماره دنبال می کند اگر انسان مراقب نباشد نسبت به معاصی ولع دارد. چقدر ولع داره نسبت به خوردن غذا و آب، این نفس اماره هم این گونه نسبت به گناه ولع دارد. چهار: «وَلَسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً» در معرض سخط تو قرار می دهد انسان را در معرض اینکه تو خدا خشمگین شوی. پنجمین چیزی که هست «تَسْلُكُ بِي مَسَالِكِ الْمَهَالِكِ» مرا به سمت چیزهایی که هلاکت من است فرمان می دهد. مرا راهنمایی می کند. می گوید این طرف برو در حالی که این طرف رفتن عاقبتش هلاکت است. «وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ» نفس اماره کاری که می کند که من در نزد تو خدا کوچکترین افراد باشم. «كثِيرَةَ الْعِلَلِ» یکی دیگر از کارهایی که نفس اماره می کند مدام عذرتراشی می کند. تعلل می کند. سستی می کند. کار خوب را فوراً انجام نمی دهد و در مقابل کارهای بد را سریع انجام می دهد. «طَوِيلَةَ الْأَمَلِ» آرزوهای طولانی دارد. «إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعَ وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعَ» اگر ناراحتی سراغش بیاد فریاد و ناله می کند و بد و بی راه می گوید و اگر وضعیتش خوب باشد. وضع دنیایی اش خوب باشد و به جاه و مقام برسد دست به جیبش نمی کند. کار خیر انجام نمی دهد. فقط به فکر خودش است. یازده: «مِيَالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ» به کارهای لعب و لهو میل دارد و کارهایی که با مجالس لهو و لعب باشد، لغو باشد را بیشتر می پسندد تا مجالسی که معنویت بیشتری داشته باشد. بیشتر اون طرف می رود. پر از سهو و غفلت است. سیزده: «تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ وَتُسَوِّقُنِي بِالتَّوْبَةِ» من را به کارهایی که سبب نابودی من است سریع می خواد من کار را انجام دهم و توبه را هم امروز و فردا می کند. می گوید حالا مشهد می روی، حالا کربلا می روی. توبه را به تأخیر می اندازد.

در مقابل نفس مطمئنه که در زیارت امین الله می خوانیم. بسیار زیارت باعظمتی است زیارت امین الله. یکی از معتبرترین و مختصرترین زیارات است. از آقا امام محمدباقر است که می فرماید کسی بخواند آن را در پاکتی از نور می گذارند و به آسمان ها می فرستند. در آخر این دعا می خوانیم: «اللهم اجعلني نفسي مطمئنه بقدرک، راضیه بقضائک» نفس مطمئنی به من عطا کن که به هرچه که قدر توست مطمئن باشد و به قضای تو راضی باشد. «مولعه بذکرک و دعائک» اون طرف برای نفس اماره این بود که و بمعاصیک مولعه، نسبت به گناهان ولع داشت ولی نفس مطمئنه نسبت به ذکر و یاد تو ولع دارد و سریع می خواهد این کار انجام دهد و همواره می خواهد به یاد تو باشد. خدا ان شاء الله توفیق دهد که بتوانیم نفس اماره را مهار کنیم و افسار این نفس اماره را به دست نفس مطمئنه بدهیم. به دست عقل و شرع دهیم. آنجا که عقل، شرع، خدا، روایات و اهل بیت دستور م می دهند. ان شاء الله همواره هادی ما قرآن و عقل و شرع باشد. ان شاء الله به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

خدایا ما را ببخش و بیامرز

اموات ما را ببخش و بیامرز

شهدای ما را با شهدای کربلا محشور بفرما.

عزیزانی که برای تشیع و اسلامیت نظام جانشان دادند روحشان را موالیان شان محشور بفرما.

روح امام راحل را با موالیانشان محشور کن.

مملکت امام زمان، رهبر معظم انقلاب، مراجع تقلید و مردم خوب ما را حفظ بفرما.

برکاتت را بر ما نازل بفرما.

گناهانی که سبب حبس گناه شده ببخش و بیامرزد.

عاقبت امر ما را ختم به خیر بفرما.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ. إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْآبَتْرُ.

خطبه دوم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. و صلى الله على نبينا و مولانا ابالقاسم المصطفى محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين. اللهم صل و سلم على علي اميرالمومنين و سيد الوصيين و صل على فاطمه الزهرا سيده نساء العالمين و صل على الحسن و الحسين سيدي شباب اهل الجنة و صل و سلم على ائمه المسلمين من ولد الحسين و ذريته علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و حجت القائم المنتظر المهدي بهم تتولى و من اعدائهم نتبرء الى الله. قال الله العظيم فى كتابه: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.

اوصيكم عبادالله و نفسى الخاطئه بتقوا الله.

شما را و خودم را به تقوای الهی و پرهیزکاری و به مراقبت و مواظبت از واجبات الهی و ترک معاصی دعوت می کنم. خدا ان شاء الله توفیق حاضر و ناظر بودن خودش را به ما مرحمت بفرماید از برکت صلوات بر محمد و آل محمد. باز یکی از نشانه های تقوا را خدمت شما عرض کنم: که گفتند برای اهل تقوا علامات و نشانه هایی است: یکی از آنها به یاد بیچارگان و مستضعفان بودند. به یاد کسانی که پناهی جز خدا ندارند. کسانی که اگر آه بکشند سریع به آسمان می رسد. جشن عاطفه ها هست. به همین مناسبت این جمله را عرض کنم که خودمان سراغ داریم، افرادی را سروکار دارند سراغ دارند. سفارش کنیم. همان طور که کسانی که توان دارند و می توانند برای

فرزندانشان وسایلی که نیاز دارند تهیه کنند. افراد و اشخاصی هستند که نمی توانند کسانی که توانمند هستند این کار را انجام دهند. هرکجا که نیاز است برای دفاع از این کیان نظام اسلامی همه در صحنه ملاً و از جهت آبرو حضور یابند. دیر و زود همه اینها تمام می شود و عملش برای ما می ماند. ان شاء الله روز قیامت خجل و شرمنده نشویم و کاشکی کاشکی مان بلند نشود. واحسرتا مان بلند نشود به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

خیلی سعی می کنم که ان شاء الله سریع عرض کنم چون مطالب زیاد است، امروز روز مباحله است. هفته آینده در پیش ایام محرم و عاشورا ابا عبدالله الحسین است. که من می خواهم مختصر در این دو موضوع صحبت کنم که خیلی هم وقت شما عزیزان و وقت نماز گرفته نشود.

مبحث اول، مبحث مباحله و امامت است. به تعبیر یکی از بزرگان و اساتید که می فرمودند که مباحله اگر اهمیتر بیشتر غدیر نباشد کمتر نیست. حالا من یکی دو جمله درباره مباحله خدمت تون عرض کنم. دشمن ها می خواستند بحث امامت را منحرف کنند. چه اینکه تا حدی منحرف کردند ولی ائمه با سختی هایی که متحمل شدند و با آزار و اذیتی که متحمل شدند. و در زمان غیبت کبری علما زحماتی را متحمل شدند برای آنکه آن مسیری که خداوند ترسیم کرده است و آن مسیر صحیح امامت را حفظ کنند چه زحماتی متحمل شدند. می گفتند که ما پسر عموی پیامبریم و شما هم پسر عموی پیامبر هستید. ببینید اینها از آن مطلب اصلی و مهم امامت که آقا امام هشتم فرمودند: « **إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ ، إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** » امامت یک چیزی نیست که دست من و شما باشد. تعیین جانشین پیامبر چیزی نیست که سقیفه بیاد تعیین کند. چیزی نیست که مردم بیان دور هم بنشینند و آقا شما امام ما هستی. غلط می کنند. اشتباه می کنند. متاسفانه برخی افراد از روی غرض یا از روی عناد متاسفانه یک حرف هایی می زنند و گفته اند. امامت برادر من، چیزی نیست که دست من و شما برسد. امامت چیزی است از جانب خدا. من حدیثی از امام هشتم در تعریف امامت بخوانم که در حدیث کافی مفصل است از امام هشتم، می فرمایند: امامت مانند میوه ای نیست که بتوان آن را از درخت چید. اصلاً دست ما نمی رسد. امامت از سوی همان ذات یزال الهی، همان کس که پیامبر را معرفی می کند، همان کس هم امام را معرفی می کند. مگر این و آن می توانند امامت را بشناسند. مگر عصمت را می توانند بشناسند؟ چه کسی جز خدا می تواند معصوم بودن اشخاص را بفهمد و تشخیص دهد و چه کسی آگاه به نیت و ضمائر ماست. جز خدا. امام باید معصوم باشد. آیات متعدده ای در عصمت ائمه هست. یکی از آیات مشهور « **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** » مگر میوه ای است که بتوان بچینی. همان طور که ستاره و خورشید دست آدم به آن نمی رسد. امامت هم همین گونه است. اختیار کردن و انتخاب کردن عقل ها کجا و عقل ها کجا می توانند انتخاب کنند؟ اشخاص چگونه می توانند انتخاب کنند؟ کجا یافت می شود این امامت آیا گمان می کنید که این امامت یافت می شود در غیر آل رسول؟ بدخیال و بد اشتباهی کردید. آنها گفتند پسر عمو پسر عمو، هارون آمد مدینه کنار قبر پیامبر گفت السلام علیک یابن عم،

در مقابل امام موسی کاظم می خواست بگه ما پسرعمو هستیم. گفت سلام پسرعمو. ببینید این گونه جواب دادند: السلام علیک یا اباته یا رسول الله، سلام ای بابا. اینها چه کار می خواستند بکنند؟ اینها می خواستند همان فکر جاهلیت که می گفت فرزندان دختر فرزندان پدران حساب نمی شوند و نوه های دختری فرزند پدر محسوب نمی شوند. همان شعر جاهلی. فرزندان ما فرزندان پسر ما هستند. بچه های دخترها بچه های مردم هستند. این فکر جاهلیت. امام موسی کاظم گفتند اگر پیامبر بیاد خواستگاری دختر تو، دختر بهش می دهی؟ گفت: چه افتخاری نصیب من می شود که دخترم را به پیامبر بدهم. فرمودند: هارون بدان پیامبر از دختر من خواستگاری نمی کند چون دختر من محرم پیامبر است. هارون میخ کوب شد. یکی از آیات همین آیه مباحله است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» این روز مباحله که بسیار روز با عظمتی است که قبل از غدیر این آیه بر پیامبر نازل شد و امیرالمومنین را جان پیامبر خواند. خداوند ان شاء الله توفیق مرحمت بفرماید که بتوانیم قدران نعمت ولایت باشیم و مسیری را طی کنیم که مورد رضایت آنها باشد. صلواتی عرض کنید.

چند جمله ای درباره عاشورا عرض کنم. برخی مباحث هست که آدم احساس وظیفه می کند که مطرح کند. بحث امامت هست الحمدلله خطبای جمعه براتون می فرمایند ما هم این چند هفته ای که در خدمتتان بودیم ان شاء الله کم و بدش را می بخشید. مسئله عاشورا و محرم خیلی مهم است. یکی از چیزهایی که باید در عاشورا و محرم سرلوحه ما باشد مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. این قدر می شنویم و این قدر می گوییم که امر به معروف و نهی از منکر، خیلی می گوییم و می شنویم ولی من معتقدم هیچ واجبی مظلوم تر از امر به معروف و نهی از منکر نیست و هیچ واجبی هم با اهمیت تر از امر به معروف و نهی از منکر نیست. اگر امر به معروف و نهی از منکر کنار رود واجبات دیگر هم رخت برمی کند. مظلوم ترین واجبات امر به معروف و نهی از منکر و مظلوم ترین افراد هم کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند. شما ببینید در این مملکت جمهوری اسلامی عده ای شهید امر به معروف و نهی از منکر هستند. شما بهشت زهرا بروید عده ای شهید امر به معروف هستند. در قرآن کریم می فرماید لعنت شده اند بر زبان داود پیامبر و عیسی ابن مریم چند گروه؛ کسانی که اگر یک منکری را در جامعه می دیدند به راحتی از کنارش رد می شدند، آقا داره در جامعه گناه می شود، معصیت می شود به راحتی از آن عبور می کردند. آقا بدش میاد آقا نارحت میشه. مجلس عروسی در اون دارد گناه می شود من اگر بلند شوم بروم چه اتفاقی می افتد.

عاشورای حسینی همه چیز باید درون آن باشد. عزاداری به نحو احسن باشد. عزاداری خوب باشد. سخنرانی باید باشد و وعاظ برای ما سخنرانی کنند. مداحان اشعار بسیار با محتوا بخوانند. هیئاتمون باید انجام بپذیرد. این ها باید باشد ولی آسیب هایش را هم شناسایی کنیم. گفت که خداوند به ملائکه دستور داد که بروید فلان شهر را خراب کنید و مردمش را هلاک کنید. وقتی آمدند دیدند یک نفر است همه اش مشغول ذکر است نماز است. خدایا ما

همه آنها را از بین ببریم حق دارند ولی این شخص مشغول عبادت است. می دانید خداوند درباره او چه فرمود گفت: این شخص کسی است که یک بار به خاطر من خشمگین نشد. کاری نکرد که کسی به او چیزی بگوید. آهسته میاد و می رود.

برادر من خواهر من ایام عاشورا ایامی است که امام حسین به خاطر امر به معروف و نهی از منکر شهید شد. این قدر گفتم و شنیدیم که برامان عادی شده است. هر کدام مان برای یکبار هم که شده این هدف امام حسین را به کرسی بنشانیم. یکبار هم آگه شده امر به معروف و نهی از منکر کنیم. خواهر من اگر دیدی ایام محرم خواهی حاجبش درست نیست به او تذکر بدهید. او هم بپذیرد.

دیگه من جمعش کنم. چند تذکر داشتم که بعداً یک موقع برایتان خواهم گفت. خیلی از حرف هام ماندا! این کاروان کم کم دارد نزدیک کربلا می شود. ما باید چه کار کنیم؟ ایام حزن و عزای ما باشد. باید در مجالس عزای شرکت کنیم که گریه کنیم یا حالت تباکی بگیریم. این مصیبتی است که در آسمان ها و زمین سنگین است. که آسمان ها و زمین گریه می کنند و اشک می ریزند. این کاروان دارد می آید.

پروردگارا همه ما را عزادار اباعبدالله در عاشورا قرار بده

توفیق انجام دادن اهداف اباعبدالله الحسین به مرد و زن ما عنایت بفرما.

توفیق اشک ریختن بر اباعبدالله عطا بفرم.

اموات ما را ببخش و بیامرز.

برکات را بارانت را خداوندا بر ما نازل بفرما.

گناهانی که سبب حبس برکات شده را ببخش و بیامرز.

این مملکت امام زمان را پناه خود حفظ بفرما.

عاقبت امر ما را ختم به خیر بفرما.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَالْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا
بِالصَّبْرِ.